نداء الله از شطر عکا مرتفع و میفرماید طوبی از برای نفوسیکه الی الله توجه ...

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### رقم (23) – من آثار حضرت بهاءالله – کتاب اقتدارات – صفحه 259 – 262

## ( 23 )

## بنام خداوند یکتا

نداء الله از شطر عکا مرتفع و میفرماید طوبی از برای نفوسیکه الی الله توجه نموده‌اند و ندای الهی را بگوش سر و سر اصغا کرده‌اند آن نفوس از اهل منظر اکبرند و از شاربان رحیق اطهر مخصوص نفوسیکه در این ایام که ظلمت اوهام اکثر انام را اخذ نموده از توجه بشطر احدیه ممنوع نشده‌اند اینست که لم یزل و لایزال مظاهر قبلم ذکر این نفوسرا در الواح فرموده‌اند در این فتنه مشاهده میشود که مقبلین خالص اقل از کبریت احمرند اگر عباد لذت ندای الهی را ادراک مینمودند و بعظمت محل نزول کلمه پی میبردند جمیع بیحجاب بشطر رب الارباب توجه مینمودند لم یزل و لا یزال بر مظاهر الهیه ظلم لا نهایه از مطالع فرعونیه وارد و با کمال قدرت و اقتدار جمیع را تحمل میفرمودند که شاید نفوسی چند از کدورات ظنون و اوهام مقدس شده بمعارج عز احدیه عروج نمایند مع آنکه جمیع مشاهده مینمودند که آن مصادر امریه مخصوص نجات بریه تحمل شدآئد مینمایند فعلوا ما فعلوا الا لعنة الله علی القوم الظالمین کل عالمند باینکه دنیا را بقا نیست و اذا جآء رسول الموت لا یحجبه حجاب حاجب و لا یمنعه قدرة قادر و لا یرده سطوة ظالم با علم و ایقان به این مقام در این ایام معدوده که معلوم نیست که یوم دیگر فوق ترابند یا تحت آن کل در سبیل نفس و هوی سالک و از حق جل و علا غافل و بگمان خود اراده نموده‌اند که سراج الله را بین ما سویه اطفا نمایند و سدرة الله را از اثمار جنیه قدسیه منع کنند این مثل آنست که قطره ملح اجاج با بحر عذب مواج مقابله نماید و در دفع آن برآید هل منعت شمس الحجاز من سبحات اهل المجاز؟ تالله قد شقت انامل القضآء الحجاب الذی حال و اشرق عن افق الاجلال لم یزل صاحبان حکم ظاهر ناس را از توجه بشطر احدیه منع نموده‌اند و اجتماع عباد را بر بحر اعظم دوست نداشته‌اند چه که این اجتماع را سبب و علت تفریق اسباب سلطنت دانسته و میدانند و حال آنکه فو الذی زمام کل شیء فی قبضة قدرته که نظر احبای حق لا زال مقدس از توجه باین امور بوده و خواهد بود این امور را هم مفسدین انتشار داده‌اند و حال اکثری را توهم چنان که اینعبد اراده حکومت کلیه در ارض دارد مع آنکه در جمیع الواح عباد را از قبول این رتبه منع نموده‌ایم چه که جز زحمت و ابتلآء حاصلی نداشته مگر آنکه نفسی لله قبول این امر کند که نصرت امر الله نماید ملوک مظاهر قدرت الهیه‌اند و آنچه مقصود است عدالت ایشآنست اگر بآن ناظر باشند بحق منسوبند زود است که حجبات خرق شود و تجلی اسمآء و صفات اکثری از عباد را اخذ نماید و کل بتقدیس و تنزیه مقربان بارگاه حق شهادت دهند تا چه رسد بنفسه تعالی نسئل الله ان یوفق عباده و یؤیدهم علی حبه و رضآئه و یفتح عیونهم لیروه و یعرفوه و لا یمنعهم عن هذه الشمس التی اشرقت و عن هذه السمآء التی ارتفعت و عن هذه النعمة التی نزلت و عن هذا السراج الذی اشرقت الارض بنوره انه علی کل شیء قدیر و اما ما رأیته فی النوم انه حق لا ریب فیه و الامر کما رأیت سوف یظهر الله من هذا الافق نورا و قدرة و بهما تظلم الشمس و تمحو آثار من استکبر علی الله و تستضیء وجوه المخلصین و سوف تحیط انوار وجه ربک من علی الارض انه علی کل شیء قدیر اگر چه بتفصیل ذکر نشد و لکن بآنچه از مصدر امر نازل مقصود مفهوم نفس نوم تعبیرش ظاهر است یعرفه کل فطن بصیر